

قائم مقام فراہانی

سید الوزراء



گردآوری، تحقیق و تدوین:
مسعود عطوفت شمسی



سرشناسه	: عطوفت شمسی، مسعود، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: قائم مقام فراهانی سیدالوزرا / گردآوری، تحقیق و تدوین مسعود عطوفت شمسی.
مشخصات نشر	: تهران: بدرقه جاویدان: برکه جاویدان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۸ ص.
شابک	: 978-964-7736-13-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: قائم مقام، ابوالقاسم بن عیسی، ۱۱۹۳-۱۲۵۱ ق.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق.
موضوع	: Iran -- History -- Qajars, 1779-1925
رده بندی کنگره	: DSR ۱۳۵۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۲۸۰۹۰۴

دفتر مرکزی

فیابان انقلاب، فیابان فروردین، کوچه نوز، پلاک ۲۶

تلفکس: ۶۶۴۱۱۵۰۸ - ۶۶۴۱۴۳۶۲ - ۶۶۴۰۴۶۴۹



فروشگاه

فیابان ولعصر، نبش فیابان دکتر فاطمی، انتشارات بدرقه جاویدان

تلفن: ۴-۸۸۹۷۵۵۸۱

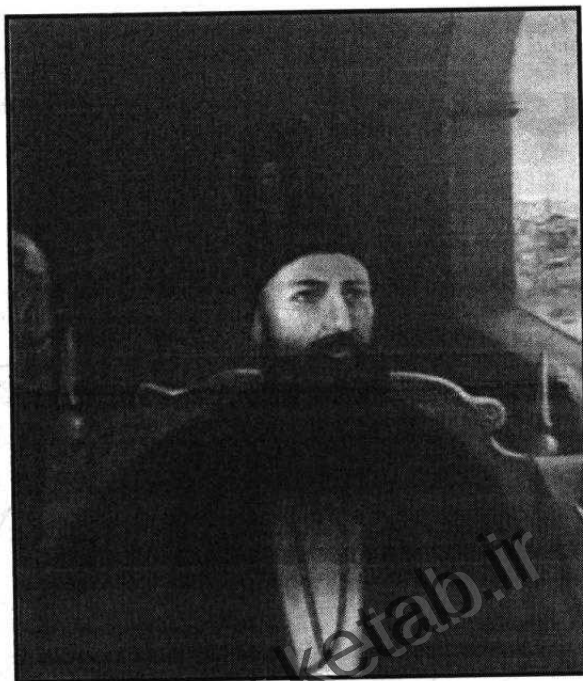


دفتر رامسر

رامسر، چهارصد دستگاه، نبش یاسمن ۴، پلاک ۱،

انتشارات برکه جاویدان - انتشارات گنجینه عطوفت

تلفن: ۵۵۲۲۸۳۳۷-۱۱ همراه: ۳۹۶۳۷۱۴۲-۰۹۱۲



انتشارات بدرقه جاویدان با همکاری انتشارات پرگه جاویدان



قائم مقام فراهانی سید الوزراء

گردآوری، تحقیق و تدوین: مسعود عطوفت شمسی

ویراستار	:	منصوره علی زاده
طراح جلد و انتخاب عکس	:	آریانا عطوفت شمسی
نوبت چاپ	:	اول ۱۴۰۱
شمارگان	:	۱۰۰ نسخه
حروفچینی	:	عتیقه
چاپ و صحافی	:	امیرکبیر
قیمت	:	۱۵۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۳۶-۱۳-۸	:	ISBN: 978-964-7736-13-8

فهرست مطالب

۱۱.....	سخن مؤلف و ناشر.....
۱۳.....	پیشگفتار.....
۱۹.....	مقدمه.....
۲۲.....	لشکرکشی به گرجستان در سال ۱۲۰۹ - ۱۲۱۰ هـ ق.....
۲۴.....	تسخیر خراسان در سال ۱۲۱۵ هـ ق.....
۲۴.....	قتل آغامحمدخان در ۲۱ ذی الحجه ۱۲۱۱ هـ ق.....
۲۵.....	سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۶۰ هـ ق).....
۲۶.....	انقلاب‌های داخلی.....
۲۷.....	قتل اعتمادالدوله در سال ۱۲۱۵ هـ ق.....
۲۹.....	روابط ایران با هندوستان و افغانستان.....
۳۷.....	دوره اول و دوم جنگ‌های روس و ایران (۱۲۱۹-۱۲۲۸ هـ ق).....
۳۹.....	دوره اول جنگ ایران و روس (۱۲۱۹-۱۲۲۸ هـ ق).....
۳۹.....	الحاق گرجستان به روسیه در سال ۱۲۱۵ هـ ق.....
۴۰.....	جنگ اچمپازین سال ۱۲۱۹ هـ ق.....
۴۱.....	قتل سی‌سیانف در سال ۱۲۲۰ هـ ق.....
۴۲.....	جنگ خانشین در سال ۱۲۲۲ هـ ق.....
۴۲.....	جنگ اصلاندوز در سال ۱۲۲۸ هـ ق.....
۴۵.....	عهدنامه گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ هـ ق.....
۴۵.....	انقلاب‌های خراسان و افغانستان.....
۴۹.....	جنگ ایران و عثمانی (۱۲۳۶-۱۲۳۸ هـ ق).....
۵۱.....	دوره دوم جنگ‌های ایران و روس (۱۲۴۱-۱۲۴۳ هـ ق).....
۵۳.....	فتوحات سپاه ایران.....
۵۴.....	جنگ شمکور در صفر سال ۱۲۴۲ هـ ق.....
۵۵.....	جنگ گنجه در ۲۳ ربیع‌الاول سال ۱۲۴۲ هـ ق.....

۵۷	شکست ایران
۵۸	معاهدات ترکمان چای ۵ شعبان سال ۱۲۴۳ هـ ق
۶۱	قتل گریبایدوف در سال ۱۲۴۴ هـ ق
۶۳	مأموریت نایب السلطنه به خراسان و یزد و کرمان
۶۵	محاصره هرات در سال ۱۲۴۹ هـ ق
۶۶	مرگ عباس میرزا در شب ۱۰ جمادی الثانی سال ۱۲۴۹ هـ ق
۶۸	وفات فتحعلی شاه در نوزدهم جمادی الاخری سال ۱۲۵۰ هـ ق
۶۹	سلطنت محمدشاه قاجار ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ هـ ق

شرح احوال، نسب و اجداد میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی سیدالوزراء

۷۱	حاجی میرزا محمدحسین وزیر
۷۴	میرزا عیسی مشهور به میرزا بزرگ قائم مقام سیدالوزراء
۷۸	قائم مقام فراهانی صدراعظمی که او انگلیسی ها رشوه نگرفت
۸۵	یک مبارزه دیگر از سیدالوزراء
۹۴	سرنوشت قائم مقام فراهانی ثانی
۹۶	شرح احوال مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام سیدالوزراء
۱۰۷	قتل قائم مقام در شب سلخ صفر سال ۱۲۵۱ هـ ق
۱۲۴	ادامه قتل قائم مقام
۱۲۶	در شرح احوال اولاد و اعقاب قائم مقام بعد از فوت آن مرحوم
۱۳۷	خلاصه شرح احوال سیدالوزراء میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، متخلص به ثانی
۱۴۳	درجات والای ادبی قائم مقام
۱۴۵	قائم مقام فراهانی و اقدامات سیاسی
۱۴۸	قتل گریبایدوف وزیر مختار روس (۲)
۱۴۹	ایران در اوایل قرن نوزده
۱۵۴	قائم مقام و وضع مالیه ایران
۱۵۷	قائم مقام و سیاست خارجی
۱۵۸	اسرار قتل کسی که با نقشه تجزیه ایران مخالفت کرد
۱۶۰	ویژگی های منشآت قائم مقام
۱۶۴	بعد از قائم مقام
۱۶۶	

۱۶۹	دیوان شعر قائم مقام فراهانی سیدالوزراء
۱۹۰	قطعات عربی
۱۹۲	قطعات فارسی
۲۱۳	منشآت قائم مقام فراهانی سیدالوزراء
۲۱۵	نامه‌های پارسی
	رقیمه‌ای از قائم مقام مرحوم میرزا صادق مروزی وقایع نگار از تبریز در زمان حیات
۲۱۶	نواب نایب السلطنه العليلة نوشته است
	کاغذی که قائم مقام به وقایع نگار از تبریز نوشته است در زمان حیات نواب نایب
۲۲۰	السلطنه
۲۲۱	قائم مقام به فاضل خان گروسی از خراسان نوشته است
	کاغذی از قائم مقام به عالیجه میرزا بزرگ نوری وزیر نواب امام ویردی میرزا کشیکچی
۲۲۲	باشی که در سال مصالحه روسی نوشته است
۲۲۳	قائم مقام میرزا بزرگ قبل از مصالحه روسی نوشته است
	مکتوبی که قائم مقام به میرزا بزرگ نوری در مراجعت نواب رکن الدین علی‌نقی میرزا
۲۲۴	از تبریز که یکسال بعد از مصالحه روس آمده بود، نوشته است
۲۲۶	نیشته‌ای به میرزا بزرگ قائم مقام
۲۲۸	این نامه را معلوم نیست که قائم مقام به کی نوشته است
۲۲۸	نامه دوستانه نوشته شده است
۲۲۹	نامه‌ای که قائم مقام به فاضل خان گروسی نوشته است
	رقیمه‌ای که قائم مقام به فاضل خان گروسی در حینی که یحیی خان از جانب حضرت
۲۳۰	ولیعهد مأمور به گرفتن میرزا تقی آشتیانی بود نوشته است
	رقعه‌ای که به فاضل خان در حین حرکت از خراسان ... که در رکاب نواب ولیعهد
۲۳۲	رضوان مهد، عباس میرزا طاب الله تراه به دارالخلافه می‌آمد نوشته است
۲۳۳	مخاطب نامه معلوم نیست
۲۳۵	معلوم نیست به کی نوشته است
۲۳۶	نیشته‌ای به وقایع نگار است
۲۳۷	این نامه را قائم مقام از خراسان به وقایع نگار نوشته است

- نامه‌ای که قائم مقام به محمدخان امیرنظام با احتشام از خراسان نوشته است..... ۲۳۸
- نامه‌ای که قائم مقام از خراسان به میرزا صادق وقایع نگار نوشته است..... ۲۳۸
- ایضاً به وقایع نگار از تبریز نوشته است..... ۲۳۹
- از قول ولیعهد به قائم مقام بزرگ نوشته است..... ۲۴۰
- به دوستی میرزا اسمعیل نام نوشته است..... ۲۴۱
- مراسله‌ای که قائم مقام به میرزا ابوالقاسم وزیر کرمانشاه نوشته است و میرزا ابوالقاسم
از قائم مقام در خصوص وزارت خود مشورتی کرده است..... ۲۴۲
- نامه‌ای که قائم مقام به میرزا بزرگ نوری وزیر نواب امام ویردی میرزا نوشته است..... ۲۴۴
- این مکتوب به فاضل خان گروسی نوشته شده است..... ۲۴۵
- مخاطب نامه معلوم نیست..... ۲۴۸
- نوشته‌ای از قائم مقام به نواب امیرزاده فریدون میرزا در سر سلامتی کوچ او است..... ۲۴۹
- به محمد خان امیر نظام نوشته شده است..... ۲۵۰
- در جواب نامه‌ای است به میرزا محمد علی خان شیرازی پسر حاجی حیدر علی خان
که قائم مقام را در ایام معزولی به باغ شمال تبریز دعوت کرده بود..... ۲۵۱
- این نامه را قائم مقام پس از فوت ولیعهد به وقایع نگار از خراسان نوشته است. در
جواب کاغذی که وقایع نگار در آن کاغذ بشارت ولایتعهد را از جانب خاقان مغفور به
قائم مقام داده است..... ۲۵۲
- یکی از رقعہ جات که در خصوص آقا علی رشتی نوشته شده است..... ۲۵۴
- دیباجه یکم: از منشآت میرزا ابوالقاسم قائم مقام..... ۲۵۵
- دیباجه دوم: دیباجه کتاب منتخب الاشعار تألیف میرزا ابوالقاسم قائم مقام..... ۲۶۲
- دیباجه سیم: دیباجه کتاب مفتاح النبوة حاجی ملارضای همدانی است که از منشآت
میرزا ابوالقاسم قائم مقام است..... ۲۶۳
- شرح حال نشاط..... ۲۶۶
- رساله عروضیه..... ۲۷۱
- مکتوبی از قائم مقام به آقا سید محمد مجتهد در تعزیت والد ایشان آقا سید محمد
خلف الصدق آقا سید علی طاب ثراها..... ۲۷۸
- مراسله قائم مقام به محمدعلی پاشا، وقت رفتن حاجی حیدر علی خان به مکه که از
جانب قائم مقام بزرگ نوشته..... ۲۸۰
- از جانب ولیعهد مبرور به محمدعلی پاشای مصری نوشته..... ۲۸۲

سخن مؤلف و ناشر

قدرت یک کشور نه به سنگرهای آن کشور و نه به
کشتی‌های آن کشور، بلکه فقط به مردان آن کشور
است. «توسیدید»

کتاب قائم‌مقام فراهانی سید الوزراء، تحقیقی درباره شرح احوال، نسب، پدر و
نیاکان، اولاد، صدارت و نقش تاریخی یکی از نواب و نخبه‌های تکرار نشدنی تاریخ
ایران، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی ثانی متخلص به سید الوزراء می‌باشد.
ابتدای کتاب با اشاره‌ای به اواخر دوره زندیه و روی کار آمدن آغامحمدخان قاجار،
مؤسس سلسله قاجاریه و روابط ایران با ذول روسیه و عثمانی و نقش قائم‌مقام در
ساماندهی و پیروزی در کشورداری و جنگ‌های پیش آمده و چگونگی به قتل
رسیدنش می‌باشد.

در انتهای کتاب، دیوان شعر و همچنین منشآت ایشان را آورده‌ایم.
با وجود چاپ کتب ارزشمند زیادی که به قلم مؤلفان و نویسندگان توانای
کشورمان توسط ناشرین صاحب نام در فواصل تاریخی مختلف به بازار نشر راه یافته،
باز هم خوانندگان و دوستداران تاریخ ایران به دنبال کتاب جدیدی از این اسطوره و
نابغه دوران منحوس قاجاریه می‌گردند.

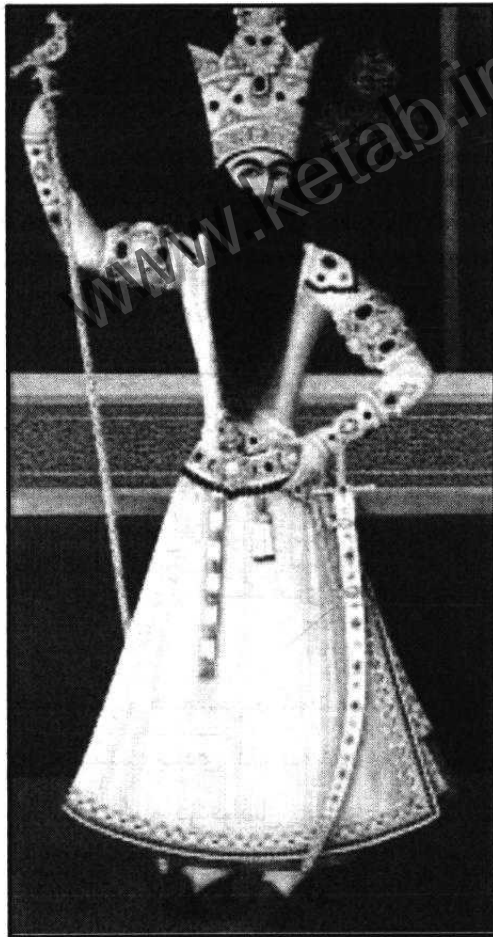
امیدوارم توانسته باشیم با چاپ این کتاب، مختصری از زندگانی این بزرگ مرد و نابغه ایرانی را برای خوانندگان گرمی روشن نماییم.

به امید تکرار ظهور چنین مردان با غیرت در کشور عزیزمان



مسعود عطوفت شمسی

مدیر انتشارات برکه جاویدان



فتحعلی شاه قاجار

پیشگفتار

قاجاریه طایفه‌ای بودند، اصالتاً از نژاد مغول و ظاهراً از قبایلی بودند که همراه کشور گشایان تاتار در عهد چنگیز و اخلاف او از مغولستان به بلاد اسلامی آمده و در محدوده بین شام و ایران مخصوصاً در حدود ارمنستان مقیم بودند.

تا زمان تشکیل دولت صفوی چندان اسمی از ایل قاجار در تاریخ برده نمی‌شود. در این عصر یعنی در ایام قیام شاه اسماعیل اول، قاجاریه مقیم ارمنستان نیز از طوایفی بودند که به یاری صفویان برخاستند و از این تاریخ گاه‌گاهی بعضی از بزرگان و رؤسای ایشان به امارت و سفارت و مقامات دیگر دولتی می‌رسیدند.

شاه عباس کبیر، ایل قاجار را از محل اصلی خود هجرت داد و ایشان را به سه محل مختلف فرستاد تا از آنان در مقابل ایلات مهاجم دیگر، سدی تشکیل دهد. دسته‌ای را در قراбаغ در مقابل لرگیان سکونت داد و جمعی را برای جلوگیری ترکمانان به گرگان و استرآباد روانه نمود و عده‌ای را هم به مرو در جلوی ازبکان.

از این میان، قاجاریه گرگان و استرآباد در اواخر عهد صفویه اهمیت و شوکت مخصوصی به هم رساندند، ولی هم چنان که بین غالب ایلات بر سر چراخور و آب و غیره پیوسته نزاع و کشمکش برقرار است، بین دو طایفه قاجاریه گرگان یعنی بین ساکنین ساحل چپ و مقیمان ساحل راست رود گرگان نیز دشمنی برقرار بود و غالب اوقات بر سر یکدیگر می‌تاختند.

قسمتی از قاجاریه را که در ساحل راست گرگان سکونت داشتند، یوخاری‌باش (یعنی سکنه آن سر رودخانه) و مقیمان ساحل چپ اشاقه‌باش (یعنی سکنه این سر رودخانه) می‌خواندند و هر یک از این دو قبیله هم به تیره‌های دیگری تقسیم شده بودند.

در زمان هجوم افغانه، رئیس تیره قوانلو از قبیله اشاقه‌باش، یعنی فتحعلی‌شاه قاجار، به عزم یاری شاه سلطان حسین عازم اصفهان گردید، اما چون اوضاع درباری را

سخت پریشان و شاه را بدون تصمیم یافت به استرآباد برگشت و در آنجا بود تا به اردوی طهماسب میرزا پسر شاه سلطان حسین پیوست و طولی نکشید که به تاریخ ۱۴ صفر ۱۱۳۹ هـ ق به تحریک نادر به دست یکی از قاجاریه یوخاری‌باش، به قتل رسید.

فتحعلی‌شاه قوئلو دو پسر داشت: یکی محمد حسین‌خان که در طفولیت مرد، دیگر محمد حسن‌خان که در سال ۱۱۲۷ هـ ق تولد یافته و هنگام قتل پدر، حدود دوازده سال داشت.

نادر که در حقیقت مسبب قتل فتحعلی‌خان اشاقه‌باش شده و مقام او را در دستگاه شاه طهماسب دوم گرفته بود به دشمنی با قبیله اشاقه‌باش، قبیله دیگر قاجاریه یعنی یوخاری‌باش را مورد ملامت خود قرار داد و از ایشان محمد حسین‌خان را به حکومت گرگان و استرآباد روانه نمود و این محمد حسین‌خان همان کسی است که در سال ۱۱۵۱ هـ ق به دستور رضاقلی میرزا، شاه طهماسب ثانی و دو پسر خردسال او عباس میرزا (شاه عباس دوم) و سلیمان میرزا را به قتل رسانده است.

در ایام حکومت محمد حسین‌خان یوخاری‌باش بر استرآباد و دوره اقتدار نادر، محمد حسن‌خان پسر فتحعلی‌خان پیوسته متواری و در میان ترکمانان می‌زیست. در سال ۱۱۵۶ هـ ق که نادر گرفتار جنگ با عثمانی بود، محمد حسن‌خان به دستیاری عده‌ای از ترکمانان یموت به استرآباد حمله آورد و آنجا را گرفت. نادر، محمد حسین‌خان یوخاری‌باش را به دفع او فرستاد و محمد حسن‌خان بار دیگر به دشت ترکمن فراری شد و تا نادر حیات داشت دستگیری او میسر نگردید.

بعد از قتل نادر، محمد حسن‌خان به استرآباد برگشت و آن شهر را به تصرف خود درآورد و در آنجا مقیم و به جمع سپاهی مشغول شد و چون ایران در این ایام گرفتار هرج و مرج بود و هر کس در هر گوشه‌ای ادعای سلطنت داشت، محمد حسن‌خان هم در استرآباد به همین دعوی برخاست ولی در قدم اول با حریف پرزور مواجه شد، یکی از احمدخان ابدالی دیگر کریم‌خان زند.

احمدخان را که به قصد تسخیر خراسان و استرآباد لشکر به این حدود آورده بود، محمد حسن خان بالاخره مغلوب کرد ولی در کشمکش‌های با زندیه با این‌که غالباً فاتح بود، عاقبت در جمادی‌الآخری سال ۱۱۷۲ هـ ق در مازندران به قتل رسید و پسران او به اسیری به چنگ خان زند افتادند.

کریم خان که مردی مهربان و بخشنده بود از ۹ پسر محمد حسن خان دو تن یعنی آغامحمدخان و حسینقلی خان جهان‌سوز را به شیراز برد و در دستگاه خود مقام داد، بقیه را هم به قزوین فرستاد و در خوش رفتاری و رعایت جانب ایشان به هیچ‌وجه کوتاهی نکرد. حتی در سال ۱۱۸۴ هـ ق حسینقلی خان را به حکومت دامغان منصوب نمود، اما حسینقلی خان که به علت بی‌رحمی و بیداد و سخت‌کشی او را جهان‌سوز خوانده‌اند، به زودی بر ولی نعمت خود عصیان ورزید و در این حال بود تا در سال ۱۱۸۸ هـ ق در استرآباد به دست ترکمانان به قتل رسید.

آغامحمدخان تا تاریخ فوت کریم خان یعنی سال ۱۱۹۳ هـ ق در شیراز در دستگاه زندیه می‌زیست و چون از نزدیکی زن او، یکی در عقد ازدواج کریم خان بود، او را بالنسبه عزیز و محترم می‌داشتند و به حرم وکیل نیز آزادانه رفت و آمد داشت. آغامحمدخان به همین وسیله اطلاع یافت که ساعات عمر خان‌زند به شماره افتاده، به بهانه‌ای خود را به خارج شهر شیراز رساند و به همراهی عده‌ای از قاجاریه و یاران دیگر، خود را به سرعت به تهران رساند.

در تهران آغامحمدخان اطلاع یافت که از هفت برادر او، چند تن مایل به ریاست او بر ایل اشاقه باش و دعوی سلطنت نیستند، مخصوصاً از ایشان مرتضی قلی خان و رضاقلی خان و مصطفی قلی خان به جلوگیری از او در حدود مازندران ایستاده‌اند. آغامحمدخان برادر دیگر خود جعفر قلی خان را به دفع ایشان فرستاد و او برادران را مغلوب نمود و آغامحمدخان به مازندران قدم گذاشت و در آنجا باباخان پسر حسینقلی خان جهان‌سوز یعنی برادرزاده آغامحمدخان با مادر خود به اردو پیوستند و مصطفی قلی خان به اطاعت برادر درآمد.

حکومت گیلان در این تاریخ در دست شخصی بود به نام هدایت خان پسر حاجی جمال فومنی که او و پدرش نسبت به محمد حسن خان قاجار خدماتی کرده و مقبول نظر او شده بودند.

در حدود سال ۱۱۷۵ هـ.ق. هدایت‌خان دست‌نشانده کریم‌خان زند گردید و او که مردی باذوق و آزادمنش و ادب‌دوست بود و ممدوح چند تن از شعرای عهد زندیه و اوایل قاجاریه است، گیلان را آسوده کرد و تجارت آن را به وسیله بازرگانان خارجی ترقی داد.

پس از وفات کریم‌خان روابط مابین هدایت‌خان و زندیه به هم خورد و چون علی‌مرادخان سپاهی به دفع او فرستاد، هدایت‌خان به ناچار فرار کرد ولی پس از اندک مدتی برگشت و با علی‌مرادخان صلح نمود و چون کار علی‌مراد از رونق افتاد و کوکب اقبال آغامحمد خان رو به صعود گذاشت، هدایت‌خان فرستادن مالیات گیلان را به خان قاجار پذیرفت.

در سال ۱۱۹۵ هـ.ق. هدایت‌خان از فرستادن مال گیلان پیش آغامحمدخان استنکاف ورزیده و آغامحمدخان ناگزیر شد که دو برادر خود جعفر قلی‌خان و مصطفی قلی‌خان را به دفع او به گیلان مأمور سازد.

هنگامی که آغامحمدخان در صدد سرکوبی هدایت‌خان بود، برادر مدعیش رضاقلی‌خان، بر بار فروش تاخت و آغامحمد خان را که در آنجا مقیم بود با باباخان و برادر کوچکترش که به نام پدر خود حسینقلی‌خان خوانده شده بود و مادر ایشان همگی را اسیر کرد.

رسیدن این خبر به گیلان باعث مراجعت جعفر قلی‌خان و مصطفی قلی‌خان گردید و کار دفع هدایت‌خان بر اثر فرار او به شروان ناتمام ماند.

آغامحمدخان به زودی از بند رضاقلی‌خان رهایی یافت و رضاقلی‌خان که از شوکت برادران مخصوصاً از جعفرخان بیم داشت به اصفهان و از آنجا به مشهد رفت و کمی بعد وفات یافت.

برادر دیگر آغامحمدخان، مرتضی قلی‌خان که گاهی از برادر به ظاهر اطاعت می‌کرد و زمانی به مخالفت او بر می‌خواست پس از فرار رضاقلی‌خان، شهر ساری را به تصرف خود گرفت و بار دیگر مدعی برادر شد. آغامحمدخان او را شکست داد و با سپردن حکومت گرگان و استرآباد و هزار جریب به او، او را راضی نمود.

هدایت‌خان بعد از چهار سال زیستن در خارج از گیلان به یاری جمعی از لزگیان به رشت آمد و آنجا را گرفت. آغامحمدخان مصطفی خان قاجار دولو سردار خود را به

تنبیه هدایت‌خان فرستاد و هدایت‌خان این بار در حین فرار در لب دریا به قتل رسید و گیلان سراسر مطیع قاجاریه گردید.

در سال ۱۱۹۸ هـ.ق. موقعی که علی‌مرادخان زند پسر خود شیخ‌ویس‌خان را به مازندران به جنگ با قاجاریه فرستاده بود، مرتضی قلی‌خان به دشمنی با برادر با زندیه هم‌دست گردید.

چون قاجاریه فاتح شدند و سپاهیان زند گریختند، مرتضی قلی‌خان هم به شروان فراری گردید و در آنجا از خوانین باکو و شروان و قراباغ و طالش یاری گرفت و بر گیلان دست یافت.

آغامحمدخان در سال ۱۲۰۳ هـ.ق. به دستیاری جعفر قلی‌خان و سرداران دیگر خود، مرتضی قلی‌خان را مغلوب نمود و او به طالش گریخت و کمی بعد برگشت. این بار مصطفی قلی‌خان برادر او مأمور فتح گیلان شد و او مرتضی قلی‌خان را شکست داده و به باکو فراری داد و مرتضی قلی‌خان از آنجا به روسیه رفت و دیگر به ایران برنگشت.



آغا محمد خان قاجار